





Challenges of Compensation Lawsuits for Environmental Damages Caused by Biotechnology Products

Majid Dehghan Chenari¹, Seyed Mohammad Hadi Mahdavi^{1*}, Davoud Nasiran¹

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Advances in genetic engineering and modern biotechnology, through which a new state is produced or modified by making changes in a living organism, however, the unfamiliarity of biotechnological aspects and effects can cause damages to the environment, while the claim for such damages necessitates filing a lawsuit by the aggrieved party in the competent authority against the person who is responsible or liable, and also proving the damage and verifying the causal relationship between the damage and the harmful act. Nevertheless, the special characteristics of environmental damages and products of biotechnology, such as very late appearance, have caused the principles and methods of dealing with such cases completely different from the majority of cases. Indeed, it has created certain problems and challenges in practice. So that, despite the existence of general laws such as the Civil Liability Law and the Civil Procedure Law, as well as the establishment of special ones such as the Biosafety Law, there are still legal gaps and ambiguities in the field. The purpose of current study is to investigate and resolve these ambiguities

Method: The issue was investigated in a descriptive and analytical way using a library resource.

Ethical Considerations: During the research process, important principles such as trustworthiness and ethics have been preserved and will be subject to its rules and effects. For the case of legislative equivocation, a solution can be sought in light of the principle of proportionality.

Results: The necessity of Establishment an organization as a legal representative of society members to file a related claim; apply the theory of pure responsibility to determine the liable person and compensate the mentioned damages and requirement of special courts for filing of such lawsuits.

Conclusion: After examining the functions of biotechnology and its risks in different fields, it was concluded that they can sometimes produce several environmental problems as well. As a result, challenges such as finding out the plaintiff, the defendant and the liable person, or determining the government as the defendant or the obligor and also naming the competent authority and issuing a temporary order were identified. Finally, we came to this conclusion that due to the spread of losses among many victims and the impossibility of filing a lawsuit by each one of them, it would be better to establish an organization as a legal representative of society members for determining the plaintiff. So that in certain laws, such as the Environmental Protection and Improvement Law approved in 1974, the necessity of the issue was sporadically foreseen, and due to the complexity of such damages, it is better to apply the theory of pure responsibility to determine the liable person and compensate the mentioned damages. In addition, in cases where it is not possible to compensate the damage by the person causing the damage (such as failure to identify the liable person) for any reason, the government, as the protector of public interests, will be obliged to compensate the damage. Therefore, the filing of such lawsuits, considering their importance and complexity, requires special courts.

Keywords: Biotechnology; Environment; Damage; Lawsuit

Corresponding Author: Seyed Mohammad Hadi Mahdavi; **Email:** H110mahdavi@gmail.com

Received: April 24, 2022; **Accepted:** July 31, 2022; **Published Online:** September 05, 2022

Please cite this article as:

Dehghanchenari M, Mahdavi SMH, Nasiran D. Challenges of Compensation Lawsuits for Environmental Damages Caused by Biotechnology Products. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e1.



چالش‌های رسیدگی به دعاوی جبران خسارت وارد بر محیط زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی

مجید دهقان چناری^۱، سیدمحمد مهدی مهدوی^{۱*}، داود نصیران^۱

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پیشرفت‌های مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی جدید که به وسیله آن با تغییر در یک موجود زنده حالت جدیدی از آن تولید یا اصلاح می‌شود، اما ناشناخته‌بودن برخی ابعاد و آثار بیوتکنولوژی می‌تواند باعث ورود خسارت به محیط زیست شود که مطالبه چنین خسارت‌هایی مستلزم طرح دعوی توسط زیان‌دیده در مرجع صلاحیتدار علیه مسئول یا متعهد و اثبات زیان و احراز رابطه سببیت بین خسارت وارده و فعل زیانبار می‌باشد، اما ویژگی‌های خاص خسارت زیست‌محیطی و محصولات بیوتکنولوژی، از جمله اینکه این نوع خسارت‌ها غالباً بسیار دیر ظاهر می‌شود، باعث شده اصول و نحوه رسیدگی به این نوع پرونده‌ها با غالب پرونده‌ها متفاوت باشد که همین امر مشکلات و چالش‌های خاصی را در عمل ایجاد نموده است، به طوری که علیرغم وجود قوانین عام مانند قانون مسئولیت مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین وضع قوانین خاص مانند قانون ایمنی زیستی بازم خاها و ابهامات قانونی احساس می‌شود که هدف در اینجا بررسی و رفع این ابهامات می‌باشد.

روش: این موضوع به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منبع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش این مقاله اصول و امانتداری حفظ شده است.

یافته‌ها: لزوم تشکیل یک سازمان به عنوان نماینده افراد جامعه برای طرح دعاوی مربوطه، استفاده از نظریه مسئولیت محض برای تعیین مسئول با توجه به پیچیدگی این نوع خسارت‌ها، تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای طرح دعاوی مربوطه.

نتیجه‌گیری: پس از بررسی کارکردهای بیوتکنولوژی و خطرات آن در زمینه‌های مختلف این نتیجه حاصل شد که احتمال ایجاد خسارت از طریق آن به محیط زیست، وجود دارد و چالش‌هایی مانند چگونگی تعیین خواهان، خواننده و مسئول و یا چالش تعیین دولت به عنوان خواننده یا متعهد و چالش تعیین مرجع صلاحیتدار و صدور دستور موقت شناسایی شد و به این نتیجه رسیدیم که برای تعیین خواهان به دلیل پراکندگی زیان در بین زیان‌دیدگان متعدد و عدم امکان طرح دعوی توسط تک‌تک آن‌ها بهتر است یک سازمان به عنوان نماینده افراد جامعه پیش‌بینی و تشکیل شود، به طوری که در بعضی قوانین مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ به طور پراکنده پیش‌بینی شده است و برای تعیین مسئول با توجه به پیچیدگی این نوع خسارت‌ها بهتر است نظریه مسئولیت محض برای جبران این نوع خسارت‌ها اعمال شود. در مواردی که جبران خسارت توسط واردکننده خسارت به هر دلیل مانند شناسایی‌نشدن مسئول، ممکن نبود دولت به عنوان حافظ منافع عمومی متعهد به جبران خسارت باشد. برای طرح چنین دعاوی‌ایی نظر به اهمیت و پیچیدگی آن‌ها دادگاه‌های اختصاصی تشکیل شود.

واژگان کلیدی: بیوتکنولوژی؛ محیط زیست؛ خسارت؛ دعاوی

نویسنده مسئول: سیدمحمد مهدی مهدوی؛ پست الکترونیک: H110mahdavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Dehghanchenari M, Mahdavi SMH, Nasiran D. Challenges of Compensation Lawsuits for Environmental Damages Caused by Biotechnology Products. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e1.

مقدمه

بیوتکنولوژی یا زیست‌فناوری علمی است که با دستکاری ژن‌های یک موجود زنده حالت جدیدی از آن موجود را به دلخواه انسان ایجاد می‌کند. اهمیت و رشد این علم در سال‌های اخیر و کارکردهای آن در عرصه‌های مختلف مخصوصاً محیط زیست از یک طرف و نگرانی‌های ناشی از خطرات آن نسبت به محیط زیست و مشکلات رسیدگی به این نوع پرونده‌ها از طرف دیگر، توجه کشورها را به خود جلب نموده است و باعث وضع مقررات بین‌المللی و قوانین خاص داخلی در این زمینه گردیده است. از مهم‌ترین این مقررات می‌توان به پروتکل ایمنی زیستی کارتاگنا که در سال ۲۰۰۰ در مونترال کانادا تصویب گردید، اشاره کرد که ایران در سال ۱۳۸۲ به طور رسمی به آن ملحق شد و قانون ایمنی زیستی ایران در سال ۱۳۸۸ به تصویب رسید، اما با وجود وضع قانون خاص در این زمینه به دلیل وضعیت خاص آثار منفی این نوع محصولات که غالباً در درازمدت ظاهر می‌شود، رسیدگی به این دعاوی با چالش‌هایی از قبیل شناسایی تعیین خواهان و خواننده، تعیین دادگاه صلاحیتدار، اثبات رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار و همچنین شناسایی و تعیین مسئول و نقش دولت در این نوع خسارت‌ها رو به رو هستیم، به نحوی که باز هم خلأها و ابهامات قانونی احساس می‌شود که در نظر است در این مقاله راهکاری مناسب برای چالش‌های موجود ارائه کنیم. در این راستا ابتدا به معرفی خسارات زیست‌محیطی و اصول و قواعد حاکم بر این نوع خسارت‌ها و بررسی قوانین خاص پرداخته می‌شود، سپس چالش‌های رسیدگی به این دعاوی در مرجع ذیصلاح بررسی می‌شود و در نهایت به ارائه راهکارهای رفع این نوع ابهامات پرداخته می‌شود.

روش

این موضوع به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منبع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

لزوم تشکیل یک سازمان به عنوان نماینده افراد جامعه برای طرح دعاوی مربوطه، استفاده از نظریه مسئولیت محض برای تعیین مسئول با توجه به پیچیدگی این نوع خسارت‌ها، تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای طرح دعاوی مربوطه.

بحث

۱. مفهوم بیوتکنولوژی و خسارات زیست‌محیطی: فناوری که از موجودات زنده برای ساخت یا تغییر محصولات، ارتقای کیفی گیاهان یا حیوانات و تغییر صفات میکروارگانیسم‌ها برای کاربردهای ویژه استفاده می‌کند را بیوتکنولوژی می‌نامند (۱). هزاران سال است که انسان برای رفع نیازهای خود با استفاده از روش‌های سنتی اقدام به دستکاری و اصلاح اشکال مختلف حیاتی از گیاهان تا جانوران کرده است، اما پیشرفت‌های اخیر در زیست‌فناوری و به ویژه مهندسی ژنتیک امکانات جدیدی در اختیار بشر قرار داده است که او را قادر می‌سازد تا به دستکاری ژنتیکی هر شکلی از حیات و خلق موجوداتی با صفاتی کاملاً جدید بپردازد. این فناوری کاربردهای بسیار سودمندی در پزشکی، داروسازی، صنایع و کشاورزی پیدا کرده است (۲).

قبل از شناخت خسارات زیست‌محیطی شناخت محیط زیست یک امر ضروری است. بنا به یک تعریف ساده محیط زیست عبارت است از همه عناصر جاندار یا بی‌جان که پیرامون انسان را فراگرفته و همه آن‌ها با یکدیگر دارای ارتباط متقابل می‌باشند. تعاریفی که کشورها برای محیط زیست به کار می‌برند، با توجه به اهمیتی که هر کشور به یکی از عناصر زیست‌محیطی می‌دهد، می‌تواند متفاوت باشد. بعضی محیط زیست را این‌گونه تعریف کرده‌اند: قسمتی از جو یا پوسته زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد، محیط زیست نامیده می‌شود. بنابراین محیط زیست، قسمت کوچکی از جو اتمسفر (کره هوا) هیدروسفر (کره آب) و لیتوسفر (کره خاک) را شامل می‌شود. به عبارت دیگر محیط زیست قشر نازکی از هوا، زمین و آب است که همه زندگی را دربر دارد (۳).

مستقیم به محیط پیرامون وارد می‌شود، بدون توجه به بازتاب‌هایی که این خسارت‌ها بر اشیا و اموال دارد، برخی از حقوقدانان نیز خسارت‌های زیست‌محیطی را شامل هر دو نوع خسارت، یعنی هم خسارت‌های وارد به اموال و اشخاص و هم خسارت‌های به خود محیط زیست می‌دانند (۵).

اما تعریف آلودگی محیط زیست در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مفهوم محدودی نسبت به خسارات زیست‌محیطی دارد، در حالی که ضرر یا خسارت در حوزه محیط زیست مفهوم گسترده‌ای دارد و ضررهای مادی (ضرر حال و آینده و ضرر قطعی و محتمل) و ضررهای معنوی (هرچند به لحاظ جدید بودن مباحث زیست‌محیطی، هنوز در حقوق به طور کامل به این نوع ضررها و جبران آن‌ها نپرداخته‌اند) را دربر می‌گیرد. همه ضررهای وارده در یک حادثه، مربوط به حال نیست، بلکه گاهی منشأ ضرر مربوط به حال و بروز ضرر مربوط به آینده است (۶).

در این مقاله منظور از خسارات زیست‌محیطی خسارتی است که از طریق محصولات بیوتکنولوژی به خود محیط زیست وارد می‌شود و متولیان و استفاده‌کنندگان از عناصر زیست‌محیطی زیان‌دیدگان این خسارت‌ها هستند که می‌توانند مطالبه خسارت کنند که این خسارت‌ها ممکن است مادی یا معنوی باشد.

۲. کاربردها و خطرات بیوتکنولوژی: بیوتکنولوژی کاربردهای متنوع و مختلفی دارد که از محیط زیست گرفته تا کشاورزی و دامپروری و... را دربر می‌گیرد. برای مثال در حوزه کشاورزی، برای تولید گیاهان مقاوم به بیماری‌ها و آفات و گیاهانی با فرآورده بهتر و بیشتر و برای تولید گیاهان جدید که از طریق انتخاب و وارد ساختن ژن‌های ویژه و ایجاد صفات دلخواه در گیاهان مورد نظر صورت می‌گیرد. در دامپروری، برای تولید واکسن‌های حیوانی تغییر ژنتیک‌یافته و هورمون رشد حیوانی، برای تولید حیوانات ترازاد (ترانسژنیک). در صنایع غذایی برای تولید ویتامین‌های ب ۲ و ب ۱۲ و اصلاح روش‌های تخمیر به منظور تولید مواد غذایی در مقادیر انبوه. در حوزه محیط زیست، برای تولید باکتری‌های تغییر ژنتیک‌یافته و برای از

در اسناد بین‌المللی تعاریفی در مورد محیط زیست وجود دارد، از جمله کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه بیان می‌دارد که محیط زیست جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. همچنین متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۶۷ محیط زیست را اینچنین تعریف می‌کند: محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد. تعریف دیگری با جامعیت بیشتر درباره محیط زیست در کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از اعمال خطرناک نسبت به محیط زیست مورد استفاده قرار گرفته است. بدین صورت که محیط زیست عبارت است از: ۱- منابع طبیعی جان‌دار یا بی‌جان همانند هوا، آب، خاک، پوشش گیاهی و جانوری و فعل و انفعالات بین این عوامل؛ ۲- اموالی که بخشی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند؛ ۳- چشم‌اندازها و منابع طبیعی (۴).

واژه خسارت زیست‌محیطی اولین بار توسط یکی از حقوقدانان فرانسوی به کار گرفته شد و بیشتر منظور آن خسارت‌های ناشی از محیط زیست است، در حالی که برای تعریف خسارت‌های زیست‌محیطی باید توجه داشت که آیا قربانی چنین خسارت‌هایی انسان است یا محیط زیست، چراکه هر کدام آثار متفاوتی دارند. برخی از نویسندگان محیط زیست را منشأ ورود خسارت به انسان دانسته‌اند و برخی خسارت به خود محیط زیست را صرف نظر از بازتاب‌های آن به عنوان خسارت زیست‌محیطی شناخته‌اند. یکی از نویسندگان خسارت زیست‌محیطی را چنین تعریف کرده است: خسارت زیست محیطی عبارت است از خسارتی که به اشخاص و یا اشیا پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود. بنا بر این تعریف، محیط زیست منشأ خسارت است و به نظر می‌رسد این تعریف از نظریه «مزاحمت به حقوق همسایه» الهام گرفته است، زیرا بر اساس آن نظریه، محیط زیست منشأ خسارت است و قربانی آن نیست. برخی از حقوقدانان هم در تعریف خسارت زیست‌محیطی اشیا و پدیده‌های زیست‌محیطی را مد نظر قرار داده‌اند که آلودگی آب، هوا، خاک را شامل می‌شود و در تعریف خسارت زیست‌محیطی گفته‌اند خسارتی که به طور

می‌تواند کمک شایانی به انسان کند، اما چون اطلاعات کمی در خصوص تأثیر محصولات تراریخته بر کشاورزی پایدار وجود دارد، تولید باید با احتیاط همراه باشد. در واقع محصولات بیوتکنولوژی دارای ویژگی‌های ژنتیکی جدید هستند که ممکن است در دیگر گیاهان، ویروس‌ها و باکتری‌ها یافت نشود، هرچند دارای ژن‌های مقاوم در برابر ویروس‌ها هستند، اما احتمال ترکیب ژن‌های پروتئین پوششی با دیگر ویروس‌ها وجود دارد که باعث از بین رفتن ایمنی گیاهان در برابر علف‌های هرز می‌شود (۱۱). همچنین ایجاد آلودگی در زمین‌های مجاور و کاهش تنوع زیستی از جمله این خطرات است (۱۲).

استفاده از مهندسی ژنتیک در جانوران موجب ایجاد آثار سوئی هم برای جانوران و هم برای انسان‌ها می‌شود. متأسفانه امروزه علیرغم افزایش آزمایشات ژنتیک بر روی حیوانات، توجه بسیار اندکی بر مصائب وارده بر آنان می‌شود. دانشمندان مشغول آزمایش بر روی هزاران حیوان دارای ژن پیوندی، شیمیری و کلونی در سراسر جهان هستند تا بدین وسیله وضعیت حیوانات اهلی را مطلوب‌تر سازند. وارد ساختن ژن‌های بیگانه در رمز ژنتیکی یک حیوان می‌تواند واکنش‌های متعددی را به همراه داشته و به رنج و ناراحتی بی‌سابقه‌ای در جانوران منجر شود. اول اینکه ورود یک ژن به کروموزوم کاملاً اتفاقی و نتیجه آن غیر قابل پیش‌بینی است، یعنی اینکه ژن پیوندی بروز خواهد یافت یا نه به خودی خود در دس‌آفرین است به ژن‌های بانی، افزایش‌دهنده و کاهنده بستگی دارد؛ دوم اینکه ژن پیوندی می‌تواند فعالیت ژن‌های طبیعی حیوان میزبان را مختل سازد و به جهش جانبی می‌انجامد؛ سوم اینکه انتقال ژن‌های پیوندی از حیوان میزبان به نحو صحیح صورت نمی‌گیرد و مستلزم انجام صدها آزمایش بر روی حیوانات دیگر است. انجام این آزمایشات دردآور موجب ایجاد صدمات بسیاری به جانوران می‌شود؛ چهارم اینکه ژن پیوندی ممکن است فقط بر روی یک عضو اثر مثبت داشته باشد و بر روی سایر اعضا اثر منفی بگذارد. نتیجه این آزمایشات افزایش فشار بر حیوانات، اختلالات بیشتر و ناراحتی بی‌دلیل جانوران است (۱۳).

بین‌بردن پساب‌های صنعتی و آلودگی‌های نفتی تا تولید منابع تجدیدشدنی انرژی با آلودگی کمتر، مانند تولید الکل از نیشکر و تولید گاز متان از مواد زائد و هیدروژن از آب (۷).

یکی از دلایل پژوهشگران در مورد موافقت با کشت و مصرف محصولات تراریخته آن است که این فناوری‌ها می‌توانند کاهش آلودگی محیط زیست و حفظ تنوع زیستی را در پی داشته باشند. بدین معنا که محصولات حاصل از فناوری تراریخته به دلیل ویژگی‌های ذاتی خود، استفاده از سموم، آفتکش‌ها و سایر مواد شیمیایی مضر برای انسان و جانداران و همچنین، خاک و هوا را کاهش می‌دهند. محصولات تراریخته به دلایل تغییرات ژنی صورت‌گرفته در آن‌ها فاقد ترکیبات مغایر با محیط زیست بوده و به تنوع زیستی حشرات مفید مانند زنبور عسل، عنکبوت و کرم خاکی کمک می‌نمایند (۸). البته طبیعت به خودی خود دارای ارزش است و صرف نظر از سود و منفعت آن برای انسان دارای ارزش ذاتی می‌باشد که تولید و انتشار محصولات بیوتکنولوژی ممکن است این چرخه طبیعی اکوسیستم را بهم بریزد و مضر باشد (۹) و برخی از نگرانی‌های عمومی نظیر خطرات بهداشتی، گسترش ترانسژن و تأثیر منفی بر اکوسیستم در مورد فناوری محصولات تراریخته را مورد بحث قرارداد و نتیجه‌گیری کرد که بسیاری از این نگرانی‌ها فرضیه‌ای بوده و علت علمی آن را اثبات نمی‌کند، ولی باید به این امر اشاره داشت که با پیدایش هر فناوری، اختلاف نظر بین مردم عادی و دانشمندان وجود داشته و این امر به افزایش شبهات منجر شده است (۱۰).

مسائل حقوقی مرتبط با آن نیز از وسعتی بی‌انتهای برخوردار است. موارد خطرآفرین که باعث ورود ضرر و زیان می‌شود، در قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن نیز آمده است که بعضی موارد آن به طور مختصر پرداخته می‌شود. بی‌تردید باید گفت بروز خسارات ناشی از عملیات زیست‌فناوری به صورت بالقوه وجود دارد و این خطرات ممکن است در حوزه‌های مختلف، از جمله جانوران، انسان و محیط زیست نمود پیدا کند. در واقع تضاد آشکاری بین نیازهای انسان از یک طرف و حفظ محیط زیست سالم از طرف دیگر وجود دارد، مثلاً در زمینه کشاورزی محصولات بیوتکنولوژی

خسارات و مسئولیت مدنی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند و قوانین خاص نیز در این زمینه وضع شده‌اند، اما متأسفانه باز هم در رسیدگی به این نوع پرونده‌ها با چالش‌هایی رو به رو هستیم که جهت تعیین و تشخیص چالش‌های موجود ابتدا اصول، قواعد و قوانین خاص حاکم بر خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی پرداخته می‌شود.

۳-۱. اصول حاکم بر خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی: از جمله اصول حاکم بر خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی، اصل پیشگیری، اصل احتیاط و اصل عدالت زیست‌محیطی می‌باشند. این اصول از این جهت مهم و پرداختن به آن ضروری می‌باشد که راهبرد قانونگذاری، اجرایی و قضایی را در حوزه محیط زیست بیان می‌دارد، یعنی زمانی عملکرد مجلس در قانونگذاری و نظارت بر عملکرد سازمان‌ها در حوزه محیط زیست مؤثر خواهد بود که به این اصول در قوانین خاص زیست‌محیطی توجه جدی شود.

۳-۱-۱. اصل پیشگیری و اصل احتیاط: با انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی مسئولیت مدنی در معرض تحولاتی قرار گرفته است و بعضی خسارت‌ها به خسارت جمعی تبدیل شد و این ایده در میان طرفداران محیط زیست شکل گرفت که برخلاف زمان‌های گذشته که مسئولیت حالت قهقراپی داشت دیگر امروزه مسئولیت نسبت به اعمال گذشته نیست، بلکه باید راهی را پیش گرفت که عمل کنونی مسئولیت آینده را در پی نداشته باشد (۱۵)، یعنی اگرچه هدف اولیه اقامه دعاوی جبران خسارت زیان‌دیده است، اما در کنار آن جلوگیری از وقوع حوادث در آینده هم مطرح است، برخی معتقدند که بازدارندگی یکی از کارکردهای مسئولیت مدنی است حتی عده‌ای بر این باورند که مسئولیت مدنی بیشتر نظامی بازدارنده و راهکاری برای کنترل رفتار آینده است (۱۶).

این دو اصل، یعنی اصل احتیاط و اصل پیشگیری در سطح دکترین باقی نمانده و راه خود را در میان قوانین داخلی پیدا نموده است، البته اصل پیشگیری باید از وقوع خطرات شناخته

حساسیت‌زایی و سمی‌بودن غذاهای تراریخته، یکی دیگر از این آثار است. ژن‌های جدید وارد شده به محصولات زراعی ممکن است با تولید پروتئین‌های جدید باعث حساسیت‌زایی شده و یا با القای تغییرات متابولیکی در گیاهان میزان ترکیبات حساسیت‌زا یا سمی گیاه را افزایش دهد. به همین جهت سازمان غذا و دارو در سال ۱۹۹۲ استفاده از برچسب‌های مخصوص بر روی محصولات غذایی تراریخته را ضروری اعلام کرد تا بدین وسیله مصرف‌کنندگان به راحتی متوجه نوع محصول شوند (۱۳).

ماده ۲ قانون ایمنی زیستی ایران در این خصوص اشعار می‌دارد: تولید، رهاسازی، نقل و انتقال داخلی و فرامرزی صادرات، واردات، عرضه، خرید، فروش، مصرف و استفاده از موجودات زنده تغییر شکل‌یافته ژنتیکی با رعایت مفاد این قانون مجاز است. همچنین ماده ۱ پروتکل کارتاها می‌گوید هدف این پروتکل آن است که در زمینه انتقال، دست‌ورزی و کاربرد سازواره‌های تغییر یافته زنده که حاصل بیوتکنولوژی جدید هستند و ممکن است اثرات زیان‌آوری بر حفظ و پایداری تنوع زیستی داشته باشند، اصول ایمنی و حفاظتی به طور کافی مراعات گردیده، مخاطرات آن‌ها برای سلامتی انسان در نظر گرفته شود و نقل و انتقال بین مرزی با دقت بیشتری صورت گیرد. از جمع این دو ماده می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحقق خطر در تمامی مراحل اعم از تولید، انتقال داخلی و خارجی، مصرف و فروش متصور است. در مرحله تولید، خطر همواره محیط و فضای تولید و تولید کننده و ابواب جمعی وی را تهدید می‌نماید. این تهدید در مرحله انتقال علاوه بر مسیر و محیط انتقال، فرد انتقال‌دهنده و افراد حاضر در مسیر انتقال را نیز شامل می‌شود. مکان مصرف، مصرف‌کننده و عاملین خرید و فروش، از جمله دیگر موارد مورد تهدید خطرات ناشی از زیست‌فناوری می‌باشند (۱۴).

۳. اصول، قواعد و قوانین خاص حاکم بر دعاوی خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی: هر چند اصول و قواعد عام مسئولیت مدنی در رسیدگی به دعاوی جبران

رخ می‌دهد (یعنی تمامی منافع و بار اقتصادی ناشی از این تخریب) عادلانه بین تمامی اعضای جامعه تقسیم خواهد شد (۱۹). در مورد طبیعت، تا آنجا که ممکن است، نباید تعادل طبیعی را بر هم زد و تنها ضرورت‌های بالاتر از طبیعت آن هم به تشخیص اکثریت نمایندگان جامعه جهانی اختیار خدشه بر عدالت طبیعی را به انسان‌ها خواهد داد (۲۱).

۲-۳. قواعد حاکم بر خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی: قبل از بررسی قوانین آیین رسیدگی به خسارات زیست‌محیطی باید تعیین نمود که این نوع خسارت‌ها چه ماهیتی دارند، آیا تابع قوانین مسئولیت در حقوق عمومی هستند یا حقوق خصوصی؟ چراکه بین این دو نظام تفاوت‌هایی وجود دارد که ممکن است در رسیدگی مؤثر باشد از تفاوت‌های بین دو نظام مسئولیت می‌توان به کارکرد و هدف آن‌ها اشاره کرد. در مسئولیت مدنی سنتی، هدف، جبران خسارت زیان‌دیده و برگرداندن او به حالت نخستین است، در حالی که در مسئولیت زیست‌محیطی هدف اصلی مسئولیت، پیشگیری است و هدفی رو به آینده دارد، یعنی در موردی که هنوز خسارت واقع نشده و تهدید جدی در مورد وقوع آن در آینده نزدیک وجود دارد، مسئولیت زیست‌محیطی محقق می‌شود. در موارد محدودی که خطر وقوع خسارت‌های سنگین و غیر قابل جبران وجود دارد، پاره‌ای از حقوقدانان با استفاده از اندیشه‌های جدید فلسفی شناسایی نوع جدیدی از مسئولیت موسوم به مسئولیت پیشگیری را ضروری دانسته‌اند (۵).

تفاوت مهم دیگر دو نظام مسئولیت در عوامل توجیه‌کننده یا دفاع مسئولیت است. در حقوق عمومی میزان و نوع عوامل رافع مسئولیت با دقت تعیین نشده و در آره به اصول کلی همانند رعایت مقررات و «مدیریت خوب» استناد می‌شود. همچنین بین دو نظام مسئولیت از نظر مسائل دادرسی نیز تفاوت وجود دارد. محاسبه و ارزیابی خسارت‌های زیست‌محیطی نیازمند اطلاعاتی است که از مرزهای مسئولیت مدنی فراتر می‌رود و تصمیم‌های سیاسی در آن دخالت دارد، زیرا تصمیم به جبران چنین خسارت‌هایی گاهی با منافع و اهداف سیاسی و عمومی

شده جلوگیری به عمل آورد، یعنی در صورت وجود خطرات یقینی و مسلم و محقق‌الوقوع با اصل پیشگیری از وقوع خسارت جلوگیری نمود و بر مبنای اصل احتیاط باید راهی را برگزید که خطرات ناشناخته ایجاد نشود، یعنی در صورت وجود خطرات مشکوک و نامعین و محتمل‌الوقوع با اصل احتیاط از وقوع خسارت جلوگیری کرد (۱۵). این اصل برآمده از عدم قطعیت‌های علمی در زمینه امکان ورود خسارت بر محیط زیست و به دنبال حمایت حداکثری از محیط زیست است (۱۷). به عبارت دیگر علیرغم فقدان اطلاعات دقیق علمی در مورد خطرات بیوتکنولوژی، احتمالاتی در خصوص انتقال ژن با کشت در محیط عنوان شده است (۱۸).

اصل ۱۵ اعلامیه ریو احتیاط را به شرح زیر صورت‌بندی می‌کند: به منظور حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید مطابق توانایی خود، رویکرد احتیاطی را به نحو گسترده‌ای اعمال نمایند، جایی که تهدیداتی دایر بر ورود خسارت شدید یا غیر قابل بازگشت وجود داشته باشد. فقدان قطعیت کامل علمی نباید به عنوان دلیلی برای تعلیق تدابیر مؤثر اقتصادی جهت پیشگیری از تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار گیرد (۱۹).

برخی هم از اصل پنجاه قانون اساسی اصل پیشگیری را استنباط نموده‌اند. بدین ترتیب که در اصل ۵۰ قانون اساسی و قوانین مربوط به محیط زیست نیز دعاوی پیشگیرانه پذیرفته شده و در صورتی که تهدید علیه محیط زیست باشد، می‌توان دعاوی مسئولیت مطرح نمود و چنین استدلال نموده‌اند که اصل مذکور حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی تلقی کرده و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و غیر آنکه موجب آلودگی و تخریب محیط زیست را ممنوع اعلام کرده است که می‌توان اصل پیشگیری را از آن استفاده نمود (۲۰).

۳-۱-۲. اصل عدالت زیست‌محیطی: به طور کلی، عدالت زیست‌محیطی به دنبال تضمین مقررات‌گذاری و تخصیص منصفانه منابع کمیاب از سوی مقامات است تا این اطمینان حاصل شود که منافع برآمده از منابع زیست‌محیطی هزینه‌های مرتبط با حفاظت از این منابع و هرگونه تخریبی که

قواعد مسئولیت مدنی مشکل‌تر می‌شود و ناچاراً باید از قواعد حقوق عمومی استفاده کنیم، مانند آزمایش‌های هسته‌ای که باعث آلودگی دریا می‌شود. بنابراین مسئولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی صورت دو وجهی دارند که برای رسیدن به هدف که همان جبران خسارت است هم باید از قواعد مسئولیت مدنی سنتی و هم قواعد حقوق عمومی استفاده نمود، یعنی با وجود نارسایی‌های قواعد مسئولیت مدنی سنتی در این زمینه هنوز هم نقش مهمی در کنار قانونگذاری بازی می‌کنند و در بسیاری از مواقع می‌توانند راه حلی برای کاهش نارسایی‌های قواعد عمومی باشند.

۳-۳. قوانین خاص: همانطور که اشاره شد، علاوه بر قوانین عام حاکم بر مسائل مربوط به خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی، از جمله قانون مسئولیت مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی، قانون ایمنی زیستی ایران تنها قانون خاص در این زمینه است. در واقع کنوانسیون بین‌المللی تنوع زیستی ۱۹۹۲ زمینه را برای انعقاد پروتکل کارتاگنا در سال ۲۰۰۰ آماده ساخت، در ماده ۱۹ از کشورهای عضو دعوت کرد تا نیاز به داشتن یک پروتکل و نحوه تدوین آن در خصوص انتقال استفاده از موجودات زنده تراریخته‌ای را که ممکن است دارای تأثیر سوئی بر حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی باشد، ملاحظه نمایند (۲۳).

در اجرای این پروتکل، سرانجام پروتکل کارتاگنا در سال ۲۰۰۰ تصویب و از سال ۲۰۰۳ به اجرا گذاشته شد و ایران نیز در سال ۱۳۸۲ با تصویب مجلس شورای اسلامی به آن پیوست و با توجه به الزام کشورهای عضو به تصویب قوانین ملی در مورد موجودات تراریخته، لایحه قانونی ایمنی زیستی از طرف دولت به مجلس داده شد، پس از آن کمیسیون کشاورزی مجلس لایحه‌ای را در ۱۶ ماده با حذف کلمه قانون از لایحه پیشنهادی دولت با عنوان «لایحه ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران» تهیه و کلیات آن‌ها را به تصویب رساند و نهایتاً قانون ملی ایمنی زیستی در مورخ ۱۳۸۸/۵/۷ در ۱۱ ماده به تصویب رسید (۲۴).

تعارض پیدا می‌کند و تصمیم‌گیری در این زمینه برای قاضی دشوار است. نظام مسئولیت حقوق عمومی و اداری باید قواعدی ویژه برای مقابله با چنین خسارت‌هایی پیش‌بینی کند و قواعد مسئولیت مدنی سنتی کنار گذاشته شود (۲۲).

برخی چنین اظهار نظر نموده‌اند که ممکن است تصور شود که بین حقوق خصوصی مخصوصاً حق مالکیت خصوصی از یک طرف و حقوق محیط زیست تعارض وجود دارد، اما در واقع هیچ تعارضی بین حق مالکیت و حمایت از محیط زیست وجود ندارد، بلکه حق مالکیت با مبنای اجتماعی محدود شده است و یکی از موارد تعارض قاعده تسلیط با قاعده لاضرر است که با حکومت قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط می‌توان خسارت وارد به این حق بنیادین اشخاص را جبران نمود، هرچند مسئولیت مدنی زیست‌محیطی به خاطر ملموس و عینی نبودن خسارت به شخص معینی پیچیدگی خاص دارد و بحث جبران خسارت دشوار است (۱۵). همچنین این دو رشته حقوق از لحاظ طرز کار و روش با هم متفاوت هستند. برای نمونه از نظر قلمرو مسئولیت، تعریف مسؤل و عوامل توجیه‌کننده مسئولیت با هم برابر نیستند (۵).

به نظر می‌رسد در مورد خسارت‌های زیست‌محیطی، ترکیب دو نظام مسئولیت در حقوق خصوصی و حقوق عمومی می‌تواند کارآمد باشد و در واقع مسئولیت خسارت زیست‌محیطی را نمی‌توان صرفاً تابع قواعد حقوق خصوصی یا قواعد حقوق عمومی دانست، چراکه مسأله تعهد و رسیدگی به جبران خسارت و مسئولیت مدنی ذاتاً در زمره مسائل حقوق خصوصی است و دخالت حقوق عمومی ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد، اما از طرفی در بعضی موارد نقش قواعد حقوق عمومی به قدری در بحث مسئولیت مدنی تأثیرگذار است که ناچاراً برای حفظ منافع عمومی و امکان اجرای جبران خسارت باید از قواعد حقوق عمومی پیروی کنیم و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. به عنوان مثال اگر آلاینده‌های محیط زیست سبب خسارت به اشخاص گردد، می‌توان با قواعد مسئولیت مدنی آلوده‌کننده را مجبور به جبران خسارت نمود، اما در مواردی که خسارت صرفاً بر محیط زیست وارد می‌شود، بحث جبران خسارت با

اما قانونگذار در نحوه تهیه و تدوین این قانون از اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی الگوبرداری نموده تا حدی که قانونگذار در همه جای قانون از فن احاله استفاده نموده است و به منظور بیرون رفتن از چالش‌های این قانون بارها به پروتکل کارتاها به عنوان سند مرجع در حوزه ایمنی زیستی ارجاع داده است، در حالی که بعضی مقررات این پروتکل با موازین حقوق داخلی ایران قابل انطباق نیستند و قابلیت اجرایی ندارند و این باعث تشتت دیدگاه‌های حقوقی شده است (۲۵). این قانون نه تنها کمکی به حل مسائل بیوتکنولوژی نمی‌کند، بلکه باعث بروز مشکلات و معضلاتی در این زمینه نیز می‌شود (۲۶).

بنابراین هرچند قانون ایمنی زیستی ایران تنها قانونی است که راجع به موجودات تراریخته به تصویب رسیده و آن را تا حدی نظام‌مند نموده است، اما متأسفانه ایرادات اساسی به آن وارد است، خصوصاً در بحث مسئولیت و جبران خسارت که یکی از مباحث عمده مربوط به این نوع محصولات می‌باشد، به طوری که قانون مذکور در ماده ۶ مسئولیت اشخاص را در موارد و شرایط خاصی بیان نموده و از وضعیت مسئولیت و جبران خسارت این نوع محصولات به طور عام بحثی به میان نیامده است. در واقع از مجموع مواد این قانون فقط ماده ۶ آن هم به صورت ناقص به بحث مسئولیت اشخاص و جبران خسارت ناشی از محصولات بیوتکنولوژی پرداخته است. این ماده مقرر می‌دارد: در صورتی که هر یک از دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح در خصوص اقدامات اشخاص حقیقی و یا حقوقی فعال در زمینه فناوری زیستی جدید تخطی از مفاد این قانون مشاهده نمایند، مکلفند ضمن تعلیق موقت مجوز شخص خاطی مراتب را برای رسیدگی قضایی به مرجع ذی‌صلاح قضایی ارجاع نمایند. مرجع قضایی موظف است این پرونده را در فرصت ویژه و یا فوق‌العاده رسیدگی نماید. در صورت تأیید تخلفات توسط مرجع قضایی، اگر تخلف موجبات تضییع حقوق سایر اشخاص را فراهم نموده و یا خساراتی را به سایر اشخاص و یا زیست‌بوم وارد نموده باشد، شخص متخلف به جبران خسارت وارده محکوم شده و در صورت تکرار برای بار دوم، علاوه بر جبران خسارت به پرداخت دو برابر خسارت وارده به صورت

جزای نقدی محکوم و کلیه مجوزهای صادره قبلی باطل و از فعالیت‌های اجرایی وی ممانعت به عمل خواهد آمد.

بنابراین از جمله ایرادات این ماده عبارت است از: ۱- در این ماده حق مطالبه خسارت را فقط به دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح داده است، در حالی که در خصوص خسارت‌های ناشی از محصولات بیوتکنولوژی مانند دیگر خسارت‌ها کلیه اشخاص زیان‌دیده اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی باید حق مطالبه خسارت داشته باشند؛ ۲- بر اساس این ماده برای اینکه شخص را مسئول جبران خسارت بدانیم، باید دارای مجوز فعالیت در زمینه زیست‌فناوری باشد و از مفاد قانون تخطی کرده باشد، در حالی که در خصوص افرادی که دارای مجوز نیستند و به نحوی اقدام به تولید، توزیع، انتقال و... می‌نمایند و خسارتی به محیط زیست وارد می‌شود، بحثی به میان نیامده است. همچنین در خصوص افرادی که دارای مجوز هستند، اما از چارچوب قانون تخطی ننموده‌اند و باعث ورود خسارت شده‌اند، تعیین تکلیف نشده است (۲۴)؛ ۳- ماده مذکور مطالبه خسارت و اقامه دعوی را منوط به گزارش دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح نموده است، در حالی که بر اساس قواعد کلی مسئولیت هر زیان‌دیده این حق را خواهد داشت که برای مطالبه خسارت مستقیماً به مرجع قضایی ذی‌صلاح مراجعه نماید.

البته پیش‌نویس قانون، قبل از اینکه به تصویب قانونگذار برسد در ماده ۹ نظریه مسئولیت محض را پذیرفته بود که راه حلی مناسب‌تر و هماهنگ با قواعد بین‌المللی بود (۲۴). بنابراین با توجه به موارد فوق قانون مذکور، همچنین در اکثر موارد مسئولیت و جبران خسارت ساکت است و راهکاری ارائه ننموده و فقط نسبت به فرض خاصی آن هم به طور ناقص تعیین تکلیف نموده است.

۴. آیین رسیدگی به دعاوی خسارات زیست‌محیطی

ناشی از محصولات بیوتکنولوژی: ایراد خسارت به محیط زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی ممکن است دارای وصف کیفری باشد و قانونگذار برای فاعل آن مجازات تعیین کرده باشد و ممکن است فاقد وصف کیفری باشد، اما در هر

جزای اختصاصی ایجاد کرد (۲۹). در هر صورت قانونگذار در برخی موارد نسبت به خسارات زیست‌محیطی جرم‌انگاری نموده که مختصراً به نحوه رسیدگی و مرجع صلاح به رسیدگی اشاره خواهد شد.

۴-۲. تعیین شاکی در جرائم زیست‌محیطی: محیط زیست به عنوان مجنی‌علیه جرائم زیست‌محیطی، قربانی خاموشی است که امکان اعلام شکایت یا دادخواهی ندارد، چنانچه زیانی مستقیم به اشخاص وارد نشود و فقط محیط زیست موضوع جرم قرار گیرد، در اغلب سیستم‌های حقوقی، در نظر اول، تنها فردی که می‌تواند اقامه دعوی کند، دادستان است (۳۰).

به موجب ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذی‌صلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید. بر اساس ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۱۸ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶، سازمان حفاظت محیط زیست در مورد جرائم مذکور در این قوانین، حسب مورد شاکی و یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود. مأمورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرائم مندرج در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان عمومی تعلیم گرفته باشند، از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند (ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست) (۳۱).

اما در خصوص طرح دعوا علیه دولت توسط اشخاص باید گفت که قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در حقوق ما اصل بر این بود که کسی حق اقامه دعوا به نام دیگری را ندارد و هیچ قانونی به طور صریح حق اقامه دعوی سازمان‌های غیر دولتی حامی محیط زیست را نیز به مراجع قضایی شناسایی نمی‌کرد و چنین حقی را حسب موضوع دعوا به متولیان دولتی محدود می‌ساخت. در آن زمان تنها با استناد به برخی مقررات پراکنده و تفسیری موسع از

صورت خسارت دارای وصف مسئولیت مدنی است و ضرر و زیان ناشی از آن باید جبران گردد و در صورتی که ارکان و شرایط مسئولیت مدنی فراهم آید، زیان‌دیده ناگزیر است برای مطالبه خسارت به عامل زیان مراجعه نماید یا به عنوان خواهان علیه مسئول حادثه (خوانده) در دادگاه صلاحیتدار طرح دعوا نماید. بنابراین باتوجه به اینکه قانونگذار نسبت به برخی از این خسارت‌ها جرم‌انگاری نموده و برای آن مجازات تعیین کرده است. ابتدا به طور مختصر رسیدگی به دعاوی کیفری خسارات ناشی از محصولات بیوتکنولوژی و سپس به بررسی دعاوی حقوقی ناشی از آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. رسیدگی به دعاوی کیفری خسارات زیست‌محیطی و مرجع صلاحیتدار آن: حق بر محیط زیست سالم مانند هر حق دیگری نیازمند ضمانت اجراست، چراکه هر حقی ممکن است در معرض سوءاستفاده قرار گیرد و جرائم زیست‌محیطی از این قاعده مستثنی نیست و قبل از هر چیز شناخت و تقسیمات جرم زیست‌محیطی لازم است. در تعریف جرم زیست‌محیطی گفته شده است: جرم زیست‌محیطی عبارت است از هر نوع فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطرانداختن زندگی و سلامت بشر شده و به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده است (۲۷).

جرائم زیست‌محیطی دارای ابعاد و ویژگی‌های متعدد می‌باشد یکی از ویژگی‌های جرائم زیست‌محیطی صدمه شدید به محیط زیست و در نتیجه تخریب اموال چه عمومی و چه خصوصی است. بنابراین می‌توان آن‌ها را در طبقه‌بندی جرائم بر علیه اموال و یا بر علیه مالکیت قرار داد (۲۸).

از دیگر خصوصیات جرائم محیط زیستی پیامدهای آن است، زیرا این جرائم دارای آثار نامطلوب روحی و روانی در جامعه بوده و بدون اینکه هدفشان آسیب‌رساندن به فرد خاصی باشد، تمام موجودات، از جمله انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان آن‌ها را در طبقه‌بندی جرائم علیه آسایش عمومی قرار داد و یا اینکه تحت عنوان جدیدی همانند جرائم علیه سلامت افراد جامعه در طبقه‌بندی شاخه‌های جرائم در

زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند (۳۰).

بنا بر آنچه گفته شد، علاوه بر دادستان کلیه اشخاص اعم از شخص حقیقی و حقوقی دولتی و غیر دولتی در جهت تحقق محیط زیست سالم حق اعلام شکایت جرائم زیست‌محیطی به مراجع ذیصلاح دارند.

۳-۴. **مراجع صالح به رسیدگی جرائم زیست‌محیطی:** در نظام حقوقی ایران، معیارهای تعقیب تخلفات زیست‌محیطی توسط دادسرا در قوانین و مقررات ذکر نشده و به جرائم به صورت عام و مطلق پرداخته شده است. بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد، لذا رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی در صلاحیت دادگاه کیفری دو که صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد (جرائم ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری) برای نمونه چنانچه جرائم ارتكابی، موجب حبس ابد یا موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر باشد... در صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود (ماده ۳۰۲ قانون فوق) بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق‌بخشیدن به عدالت است و از جمله وظایف مذکور در این اصل که بر عهده دادسرا قرار می‌گیرد، عبارتند از: ۱- احیای حقوق عامه...؛ ۲- کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین...؛ ۳- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. در راستای این اصل، به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری... و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود (ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری) (۳۱).

آن‌ها می‌توانستیم حق دسترسی این قبیل سازمان‌ها به مرجع قضایی را استنباط کنیم. برای مثال به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است وجود واژگانی چون هر فرد، هر کس و... در این اصل، این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که توجیه حقوقی برای حضور سازمان‌های غیر دولتی در دادرسی‌ها وجود دارد. ریشه این اصل قانون اساسی را باید در ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر جستجو کرد. توجه به واژگانی چون «هر فرد، هر کس، همه افراد ملت و هیچ کس» در قانون اساسی این امر را به ذهن متبادر می‌کند که مبنای حقوقی برای حضور ایشان در دادرسی‌ها وجود دارد (۳۲).

در اصل ۴۵ قانون اساسی نیز ضمن تأکید بر منافع عمومی و مصالح عامه از برخی عناصر زیست‌محیطی با عنوان انفال و ثروت‌های عمومی یاد شده که در اختیار حکومت اسلامی است تا بر اساس مصالح عامه مصرف کند. همچنین به موجب اصل ۵۰ همان قانون در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. با توجه به اینکه اقامه دعوا به عنوان حمایت از محیط زیست می‌تواند یک وظیفه عمومی تلقی شود، به نظر می‌رسد نمی‌توان افراد و سازمان‌های غیر دولتی زیست‌محیطی را از حق اقامه دعوا برای صیانت از محیط زیست محروم کرد. افزون بر قانون اساسی به موجب ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مصوب ۱۳۸۴ سازمان (سازمان‌های غیر دولتی) حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوی نماید، اما چون از نظر شکلی آیین‌نامه‌ها در زمره مقررات محسوب می‌شوند نه قوانین، لذا فاقد ضمانت اجرای قانونی می‌باشند (۳۳).

در سال ۱۳۹۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری را تصویب کرد که به موجب ماده ۶۶ آن سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در

خواهان کسی است که مدعی است حقی از وی تضییع شده و خود یا نماینده‌اش از دادگاه تقاضای احقاق حق خود نماید. در دعاوی خسارات زیست‌محیطی همانطور که قبلاً اشاره شد، سه نوع خسارت متصور است: ۱- خسارت به اموال؛ ۲- خسارت به اشخاص؛ ۳- خسارت به محیط زیست (خسارتی که به طور مستقیم به محیط پیرامون وارد می‌شود، بدون توجه به بازتاب‌های این خسارت‌ها بر اشیا و اموال) (۵).

برای تشخیص و تعیین خواهان در دو نوع خسارت اول و دوم، یعنی در خصوص خسارت به اموال و اشخاص تکلیف تا حدی روشن است و بر اساس اصل لزوم جبران خسارت زیان‌دیده توسط عامل زیان و قانون مسئولیت مدنی اشخاص زیان‌دیده یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها می‌توانند به عنوان خواهان از عامل زیان مطالبه خسارت نمایند، البته لازم بذکر است که ممکن است زیان‌دیدگان ناشی از محصولات بیوتکنولوژی محصور باشند، یعنی ضرر گروهی و جمعی باشد که این گروه ممکن است شخصیت حقوقی داشته باشد، مانند شرکت، سندیکا و... که در این صورت شخص حقوقی می‌تواند به عنوان خواهان برای حفظ منافع اعضا، طرح دعوا نماید، اما در فرضی که خسارت به خود محیط زیست وارد شده است و چون برخورداری از محیط زیست سالم حق تمام افراد جامعه است، تعیین ذی‌نفع جهت طرح دعوا مورد تردید است. در واقع اقامه دعوی حقوقی در حوزه محیط زیست توسط اشخاص خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی به دلیل نداشتن سمت با تردید رو به رو شده است که همچنان این سؤال باقی می‌ماند که در مواردی که خسارت به خود محیط زیست وارد می‌شود، چه کسی می‌تواند به عنوان خواهان طرح دعوا کند، چرا که در اغلب موارد ضرر به صورت جمعی و همگانی و نامحصور است مطابق آیین‌نامه اجرایی هیأت وزیران در خصوص تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۹ و اصلاحیه ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ که بیان می‌دارد سازمان‌های غیر دولتی حق دارد، متناسب با موضوع فعالیت خود با رعایت این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوطه فعالیت نموده و از جمله نسبت به موارد زیر اقدام نماید...: دادخواهی در مراجع قضایی و شبه

در حالی که نظر به اهمیت و ویژگی خاص مباحث خاص زیست‌محیطی و پیچیدگی خاص آن‌ها خصوصاً زمانی که بر اثر محصولات بیوتکنولوژی مورد خدشه وارد می‌شوند و اصولاً آثار آن بسیار دیر ظاهر می‌شود، به طوری که شناسایی آن نیاز به تخصص و بررسی‌های علمی دارد، تخصیص دادرسی و دادگاه‌های خاص ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۴. تعیین چالش‌های رسیدگی به دعاوی جبران خسارات زیست‌محیطی و راهکارهای آن: با بررسی اصول و قوانین حاکم بر دعاوی خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی مشخص گردید که ماهیت خاص این نوع خسارات‌ها باعث شده که اصول و نحوه رسیدگی به این دعاوی از جهات مختلف با غالب پرونده‌ها متفاوت باشد و چالش‌هایی مانند چگونگی تعیین خواهان، خوانده و یا مسئول، چالش متعهد و یا مسئول بودن دولت و همچنین چالش تعیین مرجع صلاحیتدار و صدور دستور موقت را دربر داشته باشد که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱. چالش تعیین خواهان: خواهان در اصطلاح حقوقی به معنای کسی است که از دادگاه حقی را برای خود و به ضرر دیگری می‌خواهد (۳۴).

بر اساس ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوا رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آن‌ها رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشد. در دعاوی خسارت خواهان معمولاً کسی است که از جرم یا اقدامات خلاف عرف یا قانون متحمل ضرر شده است. علاوه بر زیان‌دیده قائم‌مقام خاص و عام می‌توانند علیه عامل زیان اقامه دعوا نمایند، پس وراثت می‌توانند برای وصول خسارت وارده به مورث خود علیه عامل زیان طرح دعوا کنند. مؤسسات بیمه و سایر مراجعی که بر اساس قوانین اقدام به جبران خسارت زیان‌دیده نموده‌اند تا میزانی که خسارت را پرداخت کرده‌اند، قائم‌مقام زیان‌دیده هستند. در ضررهای جمعی نیز در مواردی که زیان‌دیدگان دارای شخصیت حقوقی باشند نماینده آن‌ها به عنوان نماینده خواهان‌ها اقدام به طرح دعوا می‌کند. بنابراین

۴-۲. چالش شناسایی خواننده و تعیین مسئول:

خواننده کسی است که مدعی جهت احقاق حق خود علیه وی طرح دعوای حقوقی نموده است. در تعیین مسئولیت خواننده می‌توان گفت مسئول جبران خسارت شخصی است که فعل زیانبار را انجام می‌دهد که به طور سنتی این فعل باید تقصیرآمیز باشد. علاوه بر این، مبانی دیگری نیز وجود دارد، مانند نظریه خطر، نظریه مختلط، نظریه تضمین حق و نظریه تعهد ایمنی که برای جبران خسارت فعل زیانبار را ضروری می‌داند. بنابراین در تعیین شخص مسئول قاعده این است که اصولاً شخصی به عنوان مسئول جبران خسارت تعیین می‌گردد که مرتکب فعل یا ترک فعل شده باشد، البته نظریه‌هایی وجود دارد که فعل یا ترک فعل را برای تعیین مسئول ضروری نمی‌دانند و ملاک‌های دیگری را در تعیین مسئول در نظر گرفته‌اند (۱۵). در بعضی موضوعات زیست‌محیطی تعیین عامل یا فعل زیان بار بسیار دشوار است، خصوصاً در مواردی که خسارت و محل آلودگی با عوامل آلاینده فاصله زیادی دارد و عوامل متعددی در آلودگی نقش خواهند داشت و در این صورت نمی‌توان به درستی قابلیت انتساب را ترسیم نمود، در حالی که برای تحقق مسئولیت مدنی و مطالبه خسارت باید خواننده دقیقاً مشخص شود. در اتحادیه اروپا و دستورالعمل مصوب تنها در مورد خسارت‌های متمرکز که عامل و آلاینده خاصی وجود دارد و می‌توان آلودگی را به عمل خاصی منسوب کرد، مسئولیت زیست‌محیطی وجود دارد. بنابراین برای تحقق مسئولیت زیست‌محیطی باید بتوان عامل آن را تعیین کرد. برای مثال آلودگی هوا که در اثر دودهای ماشین‌ها به وجود می‌آید که نمی‌توان ماشین و شخص خاصی را مسئول دانست و همچنین تعیین دقیق کسانی که از اقدام علیه محیط زیست دچار خسارت شده‌اند نیز دشوار است، لذا مسئولیت زیست‌محیطی نمی‌تواند به کار برود (۳۶).

بنابراین با توجه به اصل جبران خسارت، عامل زیان به عنوان خواننده می‌تواند هر یک از اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوق عمومی باشد و هر کدام باعث ورود خسارت به محیط زیست باشد، مسئول است و می‌توان علیه

قضایی و همچنین بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید سازمان‌های غیر دولتی یا اعضای آن می‌تواند هر کس تلقی شده و برای دفاع از حقوق زیست‌محیطی (حق بر محیط زیست سالم) خود که در قانون اساسی نیز مورد شناسایی قرار گرفته، طرح دعوی کند، اما به دلایلی نظیر پراکندگی ضرر در بین زیان‌دیدگان متعدد، کم‌تربودن میزان خسارت وارده از هزینه‌های طرح دعوا در غالب موارد، دشواربودن انتساب خسارت به شخص مسئول امکان طرح دعوا از طریق زیان‌دیدگان به صورت انفرادی ممکن نیست، بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راهکار، تشکیل و تعیین سازمان یا نهاد دولتی است که در تمام موارد خسارت وارد به محیط زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی، به عنوان نماینده افراد جامعه، اقدام به طرح دعوا نماید، البته همانطور که قبلاً اشاره شد، در بعضی موارد سازمان‌ها یا ارگان‌های خاص و به موجب قوانین خاص به عنوان نماینده دولت که حافظ نظم و منافع عموم است، تعیین شده‌اند و می‌توانند به عنوان نماینده طرح دعوا کنند که به صورت پراکنده در قوانین ذکر شده است، از جمله قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست که در ماده ۱۴ سازمان حفاظت و محیط زیست را به عنوان شاکی و مدعی خصوصی معرفی کرده است.

نکته دیگری که در رابطه با خسارات زیست‌محیطی مطرح است، این است که در صورتی که ورود خسارت به محیط زیست مناطق فراسوی صلاحیت ملی نظیر دریای آزاد انجام گیرد، این سؤال که چه کسی می‌تواند به عنوان خواهان اقامه دعوا کند، بدون پاسخ مانده است. راهکاری که ارائه شده این است که دولت‌های عضو یک رژیم مربوط به مسئولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی می‌توانند یک سازمان بین‌المللی را ایجاد نموده و اختیارات لازم را به آن اعطا کنند تا به نمایندگی از بقیه دولت‌ها اقدام نماید. راه حل دیگر این است که به تک‌تک اعضای جامعه بین‌المللی که عضو سازمان مربوطه هستند اجازه داده شود تا از طرف سازمان اقدام نمایند (۳۵).

دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و بر غیر قتل دیه بر عهده بیت‌المال خواهد بود...» در مورد قتل خطای محض نیز ماده ۴۷۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است، اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد، دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.» مواد فوق نشان می‌دهد که طرح مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال اشخاص ثالث امکان‌پذیر است (۱۵).

بنابراین در فرضی که زیان قابل انتساب به دولت نیست، مثل جایی که عامل زیان شناخته‌شده نیست و یا زیان ناشی از بلایای طبیعی است، نظر به اهمیت فراوان محیط زیست، بهتر است که اگر زیان به وسیله واردکننده آن قابل جبران نبود، دولت وارد عمل شود و بر اساس نظریه استحقاق، جامعه را از تحمل آلودگی‌های محیط زیست برهاند (۳۷)، در نتیجه در چنین مواردی که دولت مرتکب فعل زیانبار نشده و به علت عدم تقصیر مسئول نیست می‌توان او را به عنوان حافظ منافع عمومی متعهد دانست، اما نیاز است قانونگذار مانند موارد مذکور در فوق و با پذیرش نظریه مسئولیت محض این قاعده را وضع نماید، البته برای اینکه فشار مالی کمتری به دولت وارد آید، بهتر است در کنار وضع قانون و ایجاد نظریه مسئولیت محض برای چنین خساراتی صندوق خسارت‌های احتمالی ناشی از فعالیت‌های بیوتکنولوژی تشکیل شود تا در زمانی که عامل زیانبار شناسایی نشد و یا به هیچ طریق دیگر جبران خسارت میسر نگردید، خسارت از طریق این صندوق جبران گردد و متصدی مکلف باشد قبل از هرگونه آزمایش ژنتیکی، تولید یا انتشار چنین محصولاتی وجهی به عنوان خسارت احتمالی در صندوق خاصی که بدین منظور تشکیل می‌شود، بپردازد. همچنین قوانین خاص بیمه‌ای در زمینه فعالیت‌های بیوتکنولوژی و حفاظت از محیط زیست وضع گردد تا جبران خسارت ممکن و آسان‌تر شود و پژوهشگران و فعالان مهندسی ژنتیک با میل و آرامش بیشتر فعالیت نمایند.

آن طرح دعوا نمود و در فرضی که به هر دلیل مسئول خسارت قابل شناسایی نیست، در اینکه وضعیت نحوه جبران خسارت به چه صورت می‌باشد، چالش دیگری است که در مبحث بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۴-۳-۴. چالش تعیین دولت به عنوان خواننده و متعهد:

همانطور که اشاره شد، به دلیل ماهیت و پیچیدگی‌های خاص خسارات زیست‌محیطی خصوصاً زمانی که بر اثر محصولات بیوتکنولوژی ایجاد می‌شود در برخی موارد شناسایی عامل زیان امکان‌پذیر نمی‌باشد و از طرفی افراد جامعه از حق داشتن محیط زیست سالم برخوردارند و جبران خسارت وارد به محیط زیست امری ضروری است. بنابراین این سؤال پیش می‌آید که در مواردی که عامل زیان قابل شناسایی نمی‌باشد و دولت نقشی در ایجاد خسارت زیست‌محیطی ندارد آیا می‌توان دولت را به عنوان حافظ منافع عمومی متعهد به پرداخت چنین خسارت‌هایی دانست؟

در واقع یکی از مشکلات قوانین حاکم بر جبران خسارت‌های زیست‌محیطی، نداشتن مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی دولت است، اما می‌توان چنین گفت که دولت نسبت به فعل زیانبار افراد ثالث نیز مسئولیت مدنی خواهد داشت، زیرا نه تنها ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی اطلاق داشته و در مواردی صراحتاً دولت می‌تواند نسبت به عمل کودک یا دیوانگان نیز مسئولیت داشته باشد، بلکه در مواردی صراحتاً دولت مسئول اعمال اشخاص است که هیچ رابطه‌ای با دولت ندارند، مانند مسئولیت مدنی بیت‌المال نسبت به اعمال زیانبار برخی از اشخاص جامعه. ماده ۴۸۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد» ماده ۴۵۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه در جنایت عمدی به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، در خصوص قتل عمد ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن‌ها یا عدم تمکن آن‌ها

اموال غیر منقول است؛ ثانیاً در زمان رسیدگی برای تشخیص عمل مرتکب و انطباق آن با قانون و یا تشخیص و یا ارزیابی خسارت دسترسی به آن با سهولت بیشتری انجام شود.

اما در عرصه بین‌المللی با توجه به اینکه یک طرف دعوا عنصر خارجی می‌باشد، لذا ممکن است این مسأله مطرح شود که دادگاه کدام کشور صالح به رسیدگی است؟ دادگاه کشور خسارت‌دیده یا دادگاه محل اقامت عامل زیان؟ و یا یک مرجع بین‌المللی؟ در حقوق بین‌الملل دو دیدگاه متفاوت راجع به آیین اجرا وجود دارد. یکی اعطای اجرا به دولت‌های عضو و دیگری الزامی کردن استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف. هر کدام از دو دیدگاه دارای فواید و معایب خاص خود می‌باشند، اما در خصوص اعطای اجرا به دولت‌های عضو، به ویژه اگر مسئولیت مدنی دولت مطرح باشد، موضوع نمی‌تواند به وسیله محاکم داخلی و ملی به طور مناسب مورد قضاوت و صدور رأی قرار گیرد، چراکه هر دولتی خود را دارای شخصیت و اقتدار بین‌المللی می‌داند، لذا بهتر است که مراجع بین‌المللی در این خصوص اظهار نظر نمایند (۳۵).

۴-۴-۵. چالش صدور دستور موقت: از آنجا که برای جبران خسارت‌های محیط زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی اغلب اوقات نمی‌تواند وضع را به حالت سابق برگرداند، اقداماتی که احتمال می‌رود به محیط زیست آسیب برساند، جلوگیری به عمل آید. دستور موقت یکی از راهکار است که می‌تواند از آسیب‌های زیست‌محیطی بکاهد که به طور معمول پس از ارزیابی جبران‌ناپذیر بودن زیان و تهدید سلامت عمومی، به طور خارج از نوبت صادر می‌شود. بنابراین در قضایای زیست‌محیطی که در آن‌ها به اقدام فوری نیاز است، مناسب به نظر می‌رسد (۳۸).

علاوه بر قواعد عام دستور موقت در قانون آیین دادرسی مدنی بر اساس ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که مقرر می‌دارد: در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات و یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده ۱۰ این قانون سبب

۴-۴-۴. چالش تعیین مرجع صلاحیتدار: لازمه اقامه دعوا، شناخت مرجع صالح برای رسیدگی است. خواهان برای اینکه بتواند مطالبه جبران خسارت کند، باید در مرجع صالح اقامه دعوا نماید، والا با ایراد عدم صلاحیت رو به رو خواهد شد. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که در حوزه مسئولیت زیست‌محیطی و بیوتکنولوژی چه مرجعی صالح به دعاوی جبران خسارت است؟ در واقع یکی از چالش‌های رسیدگی به دعاوی جبران خسارت زیست عدم وجود دادگاه‌های اختصاصی است و قانون ایمنی زیستی که تنها قانون خاص در این زمینه است، ساکت است و در ماده ۶ قانون مذکور چنین آمده است که این نوع دعاوی باید در مرجع ذیصلاح قضایی رسیدگی شود و دادگاه خاصی را پیش‌بینی نکرده است، بنابراین باید به قوانین عام رجوع نمود.

ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص تعیین دادگاه صالح برای طرح دعوا مقرر می‌دارد: «رسیدگی نخستین به دعاوی حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است، مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.» با توجه به اینکه دعاوی مسئولیت مدنی و جبران خسارت جنبه حقوقی دارد، دادگاه‌های حقوقی، مرجع صلاحیتدار برای رسیدگی به این نوع دعاوی هستند. در خصوص محل طرح دعاوی خسارت زیست‌محیطی صدر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد، دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد... و ماده ۱۲ قانون مذکور در خصوص دعاوی اموال غیر منقول، دادگاه محل وقوع مال را صالح به رسیدگی می‌داند که در اینجا باید گفت هرچند مطالبه خسارت از انواع دیون است و باید در محل اقامت خواننده مطرح شود، اما به نظر می‌رسد این نوع خسارت‌ها را باید از مصادیق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی دانست و بهتر است دادگاهی مطرح شود که مال غیر منقول در آنجا واقع شده و اگر خسارت چند حوزه قضایی را دربر گرفته، بر اساس ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان می‌تواند در هر کدام از حوزه‌های قضایی دعوا مطرح کند، چراکه اولاً اکثراً موضوع خسارت زیست‌محیطی

به جرائم فوق‌الذکر خارج از نوبت رسیدگی و با تنظیم صورتمجلس، دستور متوقف‌ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی صادر نماید. رؤسای حوزه‌های قضایی مسئول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه می‌باشند (۳۹).

در خصوص مرجع صالح به درخواست رسیدگی به دستور موقت قانون آیین دادرسی مدنی ملاک عام برای دعاوی بیان نموده و در خصوص خسارات زیست‌محیطی یا محصولات بیوتکنولوژی مقرر خاصی نداریم و باید از قواعد عام آیین دادرسی مدنی پیروی کنیم. بنابراین اگر اصل دعوا در دادگاه مطرح باشد، مرجع در خواست دستور موقت، همان دادگاه خواهد بود و در غیر این صورت مرجع درخواست، دادگاهی می‌باشد که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا دارد، البته این قاعده یک استثنا دارد که در ماده ۳۱۲ ق.ا.م.آ آمده است مبنی بر اینکه هرگاه موضوع در خواست دستور موقت در مقر دادگاهی غیر از دادگاه‌های صالح به رسیدگی به اصل دعوا باشد، درخواست دستور موقت از آن دادگاه به عمل می‌آید، هر چند صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا نداشته باشد.

۴-۴-۶. چالش اثبات رابطه سببیت: همانطور که قبلاً اشاره شد، در زمینه خسارت زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی احراز رابطه سببیت بین خسارت وارده و فعل زیانبار بسیار دشوار و یک چالش است و بر اساس اصول مسئولیت مدنی صرف وقوع خسارت برای اقامه دعوا کافی نیست، بلکه باید بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود داشته باشد و احراز گردد. بنابراین در صورتی که نتوان ثابت کرد که خسارت وارده به محیط زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی است، طرح دعوا علیه خواننده نتیجه‌ای ندارد و محکوم نخواهد شد. این اصل در خصوص کلیه دعاوی مسئولیت مدنی حاکم است و مختص محصولات بیوتکنولوژی نمی‌باشد، اما این شرط در اینجا با شدت بیشتری مطرح است و در بسیاری از موارد به علت عدم اثبات رابطه سببیت و شناسایی عامل زیان طرح دعوا و یا اثبات مسئولیت مدنی شخص غیر ممکن می‌گردد. علاوه بر این ممکن است اسباب دیگری با آثار منفی محصولات بیوتکنولوژی توأمان شود و به

ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیر ممکن یا متعسر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی، به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست. همچنین طبق ماده ۳۷ که مقرر می‌دارد شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. بنابراین اگر عامل ایجاد زیان دولت یا سازمان دولتی باشد، می‌توان علیه اقدام سازمان یا دولت دستور موقت صادر کرد. همچنین تبصره ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست که مقرر می‌دارد «رییس سازمان می‌تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در برداشته باشند، بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آن‌ها را بدهند.»

با توجه به اهمیت تسریع در دادرسی و صدور دستور موقت در مسائل محیط زیست، قوه قضاییه در این مورد بخشنامه‌هایی را صادر کرده است که نظر به اهمیت آن بیان می‌شود: نظر به اینکه حفظ انفال و ثروت‌های عمومی، از جمله جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌زارهای طبیعی، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و حفاظت از محیط زیست بر اساس اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی، از جمله وظایف حکومت اسلامی است و هر نوع فعالیت اعم از اقتصادی و غیر آنکه موجب تخریب جنگل‌ها و مراتع، آلودگی آب‌های داخلی و نابودی محیط زیست گردد، ممنوع می‌باشد و گزارش‌های رسیده مؤید روند رو به رشد تخریب مراتع و جنگل‌ها، قطع بی‌رویه درختان جنگلی، تصرف اراضی دولتی و همچنین آلودگی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و توسعه شهرنشینی می‌باشد و ادامه این روند، جبران‌ناپذیری به سلامت جامعه و بقای نسل‌های آینده کشور وارد خواهد ساخت؛ مؤکداً پیرو بخشنامه مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۴ متذکر می‌گردد که رؤسای حوزه‌های قضایی به تناسب پرونده‌ها و شکایات ادارات منابع طبیعی، محیط زیست، بهداشت و درمان و دیگر نهادهای ذی‌ربط، یک یا چند شعبه خاص بدین منظور تعیین و شعب مذکور مکلفند برابر تبصره ۱ ماده ۶۹۰ ق.م.ا.

این شیوه تدارک زیان به گونه‌ای است که وضعیت زیان‌دیده به شرایط قبل از وقوع خسارت به گونه‌ای که انگار از ابتدا زبانی وارد نشده است (۴۲).

اما با وجود این، در خصوص معایب این شیوه جبران، گفته شده است که اولاً اجرای احکام صادرشده بر اساس جبران عینی در مقایسه با احکامی که محکوم به آن، مبلغی پول است با دشواری بیشتری رو به رو است؛ ثانیاً در پاره‌ای از موارد جبران عینی خسارت غیر ممکن و جبران نقدی تنها راه عملی جبران خسارت می‌باشد؛ ثالثاً جبران عینی فقط نسبت به آینده مؤثر است و زیان‌هایی را که از زمان وقوع فعل زیانبار تا بازگشت وضعیت به حالت سابق به وجود آمده‌اند، جبران نخواهد کرد (۴۳).

بنابراین جبران خسارت ممکن است از طریق پرداخت غرامت باشد که مستلزم ارزیابی خسارت است و مبلغ غرامت برای جبران هزینه‌هایی است که زیان‌دیده برای محو آثار آلودگی متحمل می‌شود و یا اینکه غرامت برای جبران کاهش ارزش مال آلوده تعیین می‌گردد. با وجود این، ارزیابی این‌گونه خسارات کار آسانی نمی‌باشد، زیرا ارزیابی هزینه‌های پاکسازی و همچنین آثار سوء ناشی از آلودگی که مدت‌های مدیدی به طول می‌انجامد، امری است که نیاز به اقدامات کارشناسی دقیق و فراوان دارد. برآورد خسارت به ارقام در حوزه خسارات زیست‌محیطی در بخش خسارت به اموال ممکن است با مشکل همراه نباشد، ولی در بخش خسارت به منابع طبیعی به آسانی صورت نمی‌گیرد و با مشکل مواجه می‌گردد، چراکه عناصر زیست‌محیطی را به سختی می‌توان با پول ارزیابی کرد. به بیان دیگر خسارات واردشده به محیط زیست به دلیل از بین رفتن حیات وحش، موجودات زنده، تغییر و ناقص شدن خود محیط زیست مستقیماً قابل اندازه‌گیری با وجه نقد نیست. برای حل این معضل، از جمله در کنوانسیون ۱۹۶۹ بروکسل در باب مسئولیت مدنی راهکار ارائه شده محدود کردن سقف مسئولیت تا مبلغی خاص بوده است (۴۴). بنابراین می‌توان برای حل مشکل ارزیابی خسارات زیست‌محیطی این راهکار، یعنی تعیین سقف تعهد را در حقوق داخلی نیز به کار برد تا شاید این مشکل تا حدی کمتر شود.

محیط زیست خسارت وارد کند، دشواری و مشکل اثبات رابطه سببیت و اثبات مسئولیت مدنی مضاعف می‌گردد.

البته احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و زیان وارده، در مواردی که حادثه یا فعل واحد موجب ورود زیان شده است، امری آسان و روشن است، زیرا حوادث دیگری دخیل در ورود زیان نیست که احتمال سببیت آن نیز، داده شود. دشواری اثبات این رابطه در زمینه فعالیت‌های زیست‌محیطی به چندین برابر می‌رسد، زیرا باید عامل اصلی را شناخت و او را به عنوان سبب مسئول معرفی کرد حال آنکه ممکن است زبانی برای بشر ناشناخته باشد و نتوان سبب آن را به راحتی شناخت و یا این که آثار آن سالیان سال به طول می‌انجامد تا آشکار شود (۴۰).

این بحث به ویژه دردعاوی که در آن‌ها تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست، اهمیت زیادی دارد. بنابراین در خصوص خسارات محصولات بیوتکنولوژی که برای اثبات آن بهتر است نظریه مسئولیت محض پذیرفته شود و نیازی به اثبات تقصیر فاعل فعل زیانبار نباشد، نقش اثبات رابطه سببیت پررنگ‌تر می‌شود، اما این امر بسیار مشکل و گاهی غیر ممکن است، زیرا اثبات رابطه سببیت در دعوی مسئولیت زیست‌محیطی علیه آلوده کنندگان خصوصاً به وسیله محصولات بیوتکنولوژی نیاز به آگاهی علمی و فنی دارد و زیان‌دیده در اکثر موارد تخصص لازم را ندارد، مضافاً اینکه خسارات وارده بر محیط زیست ناشی از آثار منفی محصولات بیوتکنولوژی غالباً بسیار دیر خود را نشان می‌دهند و ابهامات و پیچیدگی‌های اثبات رابطه سببیت را بیشتر می‌کند، در نتیجه متخصصان و حافظان محیط زیست در این موارد بار اثبات رابطه سببیت را معکوس نموده‌اند، یعنی زیان‌دیده باید درجه بالایی از احتمال اینکه عمل خواننده موجب خسارت شده ثابت نماید و در مقابل خواننده باید ثابت کند که سبب خسارت نشده است (۴۱).

۴-۷. چالش ارزیابی خسارات زیست‌محیطی: بدیهی
است هدف از طرح دعاوی جبران خسارت بازگرداندن وضع زیان‌دیده به حالت قبل از وقوع خسارت است. در واقع کامل‌ترین شیوه ممکن برای جبران خسارت می‌باشد، زیرا در

نتیجه‌گیری

ماهیت خاص خسارات زیست‌محیطی ناشی از محصولات بیوتکنولوژی باعث شده که اصول و نحوه رسیدگی به دعاوی ناشی از آن از جهات مختلف با غالب پرونده‌ها متفاوت باشد و چالش‌هایی مانند چالش چگونگی تعیین خواهان، خواننده و مسئول، چالش تعیین دولت به عنوان خواننده یا متعهد و چالش تعیین مرجع صلاحیتدار و صدور دستور موقت شناسایی شد. در بررسی انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که برای تعیین خواهان به دلیل پراکندگی زیان در بین زیان‌دیدگان متعدد و عدم امکان طرح دعوی توسط تک‌تک آن‌ها بهتر است یک سازمان به عنوان نماینده افراد جامعه پیش‌بینی و تشکیل شود، به طوری که در بعضی قوانین به طور پراکنده پیش‌بینی شده است (مثلاً قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۳ ش.) و برای احراز رابطه سببیت و تعیین خواننده و مسئول با توجه به پیچیدگی این نوع خسارت‌ها بهتر است نظریه مسئولیت محض برای جبران این نوع خسارت‌ها اعمال شود و نهایتاً در مواردی که جبران خسارت توسط واردکننده خسارت به هر دلیل مانند شناسایی نشدن مسئول، ممکن نباشد، دولت به عنوان حافظ منافع عمومی، متعهد به جبران خسارت باشد، البته بهتر است در کنار وضع قانون و ایجاد نظریه مسئولیت محض برای چنین خسارتی، صندوق خسارت‌های احتمالی ناشی از فعالیت‌های بیوتکنولوژی تشکیل شود. همچنین قوانین خاص بیمه‌ای در زمینه فعالیت‌های بیوتکنولوژی و حفاظت از محیط زیست وضع گردد تا جبران خسارت ممکن و آسان‌تر شود و پژوهشگران و فعالان مهندسی ژنتیک با میل و آرامش بیشتر فعالیت نمایند و برای طرح چنین دعاوی‌ای نظر به اهمیت و پیچیدگی آن‌ها دادگاه‌های اختصاصی تشکیل شود و در حال حاضر با توجه به اینکه مصادیق محیط زیست غالباً غیر منقول است، دعوا در حوزه‌ای که خسارت ظاهر شده، مطرح شود و دستور موقت نیز در دادگاه صالح به رسیدگی به اصل دعوا و همچنین در دیوان عدالت اداری در مواردی که خواننده، سازمان یا نهاد دولتی باشد، می‌تواند مطرح و صادر شود.

مشارکت نویسندگان

مجید دهقان چناری: نگارش و تألیف مقاله.
سیدمحمدهادی مهدوی: مرور و بازبینی مقاله.
داود نصیران: مشاوره در تدوین مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Sharifi Sirchi GH-R, Kazemipour A. *Biotechnology; Principles*. Kerman: Kerman Shahid Bahonar University of Kerman Publications; 2009. [Persian]
2. Rahnama H, Sanjarian F. Bioethics in Genetic Engineering. *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*. 2011; 6(3): 73-82. [Persian]
3. Firoozi M. *The Right to the Environment*. Tehran: Jihad Daneshgahi Publishing Organization; 2005. [Persian]
4. Kiss A. *Introduction to International Environmental Law*. Translated by Habibi MH. Tehran: University of Tehran Press; 2000. [Persian]
5. Katozian N, Ansari M. Liability for Environmental Damage. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*. 2008; 38(2): 285-313. [Persian]
6. Fahimi A. Loss in Environmental Damage: A Comparative Discussion in Iranian and French Jurisprudence and Law and International Documents. *Journal of Comparative Law*. 2017; 13(1): 112-127. [Persian]
7. Sanati MH. *A Commentary on the Cartagena Global Protocol*. Tehran: Secretariat of the National Center for Genetic Engineering and Biotechnology Research; 2001. [Persian]
8. Safi Y, Jodi M, Esmaili N. Review of favorable approach regarding transgenic technology in Iran's agricultural sector. *Journal of Agricultural Economics Research*. 2021; 31(2): 218-285. [Persian]
9. Saeedi Tehrani S, Parsapour AR, Larijani B. Ethical considerations and new genetic technologies with a special look at transgenic products. *Journal of Medical Ethics and History*. 2015; 9(2): 23-27. [Persian]
10. Cui K, Shoemaker S. Public perception of genetically-modified (GM) food: A Nationwide Chinese Consumer Study. *Science of Food*. 2018; 2(10): 34-47.
11. Rahnama H. Bioethics and the production of transgenic products. *Journal of Ethics in Science and Technology*. 2008; 3(1-2): 1-14. [Persian]
12. Bigdeli S, Badi'e Sanae Esfahani A. Principles of Civil Liability for Genetically Modified (Transgenic) Food Products. *Journal of Comparative Law Studies*. 2014; 5(2): 287-316. [Persian]
13. Rifkin J. *Century of Biotechnology*. Translated by Davari H. Tehran: Sobh Book Publishing; 2003. [Persian]
14. Darabpour M. International Civil Liability of Governments in Cartagena Biosafety Protocol. *Legal Journal*. 2008; 1(1): 41-71. [Persian]
15. Yazdani AR. *General Rules of Civil Liability*. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing; 2016. Vol.2. [Persian]
16. Badini H. *Philosophy of Civil Liability*. Tehran: Anteshar Co; 2005. [Persian]
17. Fahimi A, Mashhadi A. Shiite jurisprudence and the evolution of the principles of environmental civil liability. *Private Law Studies*. 2011; 41(1): 313-326. [Persian]
18. Rahimi H, Khodarahmi N. The tools of the judicial system to deal with environmental damage with emphasis on the principle of preventive measures. *Journal of Islamic Law*. 2018; 19(2): 421-446. [Persian]
19. Abdullahi M. Crime against the Environment in International Law. *Quarterly Journal of Environmental Sciences*. 2004; 1(1): 49-64. [Persian]
20. Entezari A. *Civil Liability Due to Environmental Damage, A Comparative Study in Iranian and European Union Law*. Tehran: Mokhtab Publication; 2015. [Persian]
21. Nik Dad O. Applications of Bioethics. *Pegah Hoze Magazine*. 2010; 294. [Persian]
22. Bergkamp L. *Liability and Environment: Private and Public Law Aspects of Civil Liability for Environmental Harm in an International Context*. Hague: Kluwer Law International; 2003.
23. Qara Yazdi B, Mottaqi A. Biosafety in International Regulations. *Quarterly Journal of Medical Law*. 2010; 4(12): 131-147. [Persian]
24. Mohajer M, Safaei H, Mahdavi Damghani A. Ethical and Legal Considerations in the Application of Transgenic Products with a Look at the Biosafety Law. *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*. 2011; 6(1): 35-42. [Persian]
25. Samavati Pirouz A. Analysis and Criticism of Iranian Biosafety Act (2009) with a Focus on Approaches of Criminal Law. *Medical Law Journal*. 2010; 4(19): 149-167. [Persian]
26. Suzanchi E, Omidinia E. The effect of conflicting assumptions on science and technology policy: A case study of the process of enactment of the Iranian Biosafety Law. *Journal of Science and Technology Policy*. 2010; 3(1): 45-62. [Persian]
27. Mashhadi A. *Terminology of Environmental Law*. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2010. [Persian]

28. Ghavam MA. Criminal Protection of the Environment. Tehran: Publications of the Environmental Protection Organization; 1996. [Persian]
29. Mohseni M. Public Criminal Law Course. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1997. Vol.1. [Persian]
30. Ramezani Ghavamabadi MH, Javadmanesh J. A Comparative Study of the Concept of beneficiary in Environmental Lawsuits in Iranian and European Union Law. Quarterly Journal of Public Law Studies, University of Tehran. 2016; 46(4): 977-1001. [Persian]
31. Hemmati M. Environmental Compensation Lawsuit in the Iranian Legal System. Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives 2018; 23(81): 221-253. [Persian]
32. Ramezani Ghavamabadi MH. Reflection on The role and position of non-governmental organizations in environmental criminal cases. Mofid Magazine. 2008; 14(67): 91-110. [Persian]
33. Ramezani Ghavamabadi MH. Prevention and suppression of environmental crimes in the light of the acts of non-governmental organizations in the Iranian legal system. Legal Journal of Justice. 2011; 75(75): 199-225. [Persian]
34. Bahrami B. Civil Procedure Code. Tehran: Negah Bineh Publications; 2003. [Persian]
35. Rodriguez W. Civil Liability for Environmental Damage a means of enforcing the rules of international environmental law. Translated by Saed N. Environment Quarterly. 2002; 37. [Persian]
36. Darabpour M. Non-Contractual Responsibilities. Tehran: Majd Publications; 2008. [Persian]
37. Alamkhani A. The government's civil responsibility for environmental pollution. Tehran: Khorsandi Publications; 2013. [Persian]
38. Bahrami Ahmadi H, Alamkhani A. A reflection on the practical aspects of civil liability claims against the government for environmental damages. Journal of Knowledge of Public Law. 2013; 2(5): 83-101. [Persian]
39. Fahimi A. Civil liability due to environmental destruction (a comparative study in Laws of Iran, France, international documents and jurisprudence). Ph.D. Thesis. Tehran: Faculty of Law Imam Sadiq University; 2014.
40. Rajabi A. A Study of Special Criteria in Designing a Civil Liability System for Environmental Damages, Collection of Articles on Environmental Law (Theories and Procedures). 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2009. [Persian]
41. Jourdain P. Principles of Civil Liability. Tehran: Mizan Publishing; 2007. [Persian]
42. Katozian N. Non-Contractual Requirements. Tehran: University of Tehran Press; 2007. [Persian]
43. Haji Azizi B. Methods of Compensation in Civil Liability. Shahed University Journal. 2001; 9(36): 63-72. [Persian]
44. Zamani S-GH. Development of International Responsibility in the Light of International Environmental Law. Journal of Legal Research. 2002; 1(1): 27-58. [Persian]